



تمامی کارگروه‌ها از جمله: سازمان جهاد کشاورزی، بنیاد مسکن، هلال احمر و ادارات آب، برق، گاز و مخابرات، با دو دستگاه خودروی ون به طرف مناطق زلزله‌زده راه می‌افتادیم. من دفترچه‌ها و کتابچه‌هایی داشتم. می‌نوشتم که مثلاً در روستای باجاباج، چه نواقصی وجود دارد. سیمان کم است. میلگرد نرسیده. در مورد ماسه کمبود دارند یا در آواربرداری فلان مشکل ایجاد شده است، این مشکلات این هفته ما در آن روستا بود. وقتی هفته بعد به همراه دکتر بیگی به منطقه می‌رفتیم، دوباره کنترل می‌کردیم. از بنیاد مسکن می‌خواستیم گزارش بدهد تا ببینیم موضوع سیمان و میلگرد به کجا رسیده است.

تقریباً همه روستاها را گشت می‌زدیم. روزهای پنجشنبه از دفتر آقای بیگی به من زنگ می‌زدند که برنامه بازدید از روستاهای فردا را بدهید. یک بار که نمی‌دانم ۱۲ یا ۱۵ روستا را لیست کرده بودم، دیدم از دفتر استاندار زنگ زدند که آقای ساعی، دکتر بیگی ناراحت شده است. یک لحظه با خودم فکر کردم که شاید تعداد روستا را زیاد نوشته‌ام. اما وقتی علت ناراحتی را پرسیدم، گفتند: «کاش تعداد بیشتری از روستاها را در برنامه می‌گذاشتید تا برویم و ببینیم.»

معمولاً ساعت شش صبح از مقابل ساختمان برنامه و بودجه حرکت می‌کردیم. آقای بیگی سه، چهار دقیقه زودتر می‌آمدند و می‌رفتیم داخل ماشین‌ها می‌نشستیم. به همه مدیران گفته بودیم که بموقع حرکت خواهیم کرد. اگر صبحانه خورده باشید که هیچ، درغیر این صورت ساعت پنج و نیم، صبحانه در استانداری آماده است. برای مدیرانی که دیر می‌کردند، بسته‌هایی برای هر دو ماشین آماده می‌کردیم و در حالی که ماشین حرکت می‌کرد صبحانه‌یشان را می‌خوردند. در حادثه زلزله ارسباران، ما بجز یکی دو مورد، عموماً وعده‌های غذایی ناهار و شام را هم داخل ماشین و در حال تردد خوردیم.

”

جلساتی با حضور تعداد محدودی از وزرا و به ریاست معاون اول رئیس جمهور، آقای دکتر رحیمی، در استان تشکیل و تصمیمات آن به عنوان مصوبه هیأت وزیران لحاظ شده و مبنای عمل قرار می‌گرفت